

Development of the company's behaviour model in environmental corporate social responsibility situations with the approach of pluralism in behavioural strategy

Mohammad Javad Zenhari¹, Ph.D. Candidate in business policy,
Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Mohammad Ali Shahhoseini, Associate Prof., Faculty of Management,
University of Tehran, Tehran, Iran

Amir Manian, Prof., Faculty of Management, University of Tehran,
Tehran, Iran

Abdolhossein Vahabie, Assistant Prof., Faculty of electrical and
computer engineering, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 11-02-2023

Accepted: 01-06-2023

Introduction: The role of businesses in creating and solving environmental crises is significant. Today, company managers are so crushed under the wheel of capitalism that they don't have a chance to think about the long-term effects of their behaviour. The purpose of this article is to examine how companies behave with the environment, with a pluralistic approach in behavioural strategy. Behavioural strategy is a new approach in strategic management that, by using social psychology knowledge, explains how companies behave and is divided into three schools: reductionism, contextualism, and pluralism. In pluralistic approach, by comparing different narratives of stakeholders, organization internal and external conflicts become clear and the opportunities for improving the behaviour of the firm with the environment can be provided.

Research method: The foundations of epistemology in the school of pluralism in behavioural strategy are based on the philosophy of nominalism, pragmatism and evolutionary knowledge. This research is qualitative and has been carried out using systematic grounded theory method. Since this research does not seek to create meaning, but the goal is to get closer to the reality by putting together the diverse narratives of the stakeholders, the method of systematic grounded theory by providing a tool to discover the relationship of the existing facts helps better. The data has been extracted through semi-structured

¹. Corresponding Author Email: mzenhari@ut.ac.ir

interviews with fourteen various stakeholders, including environmental experts, company managers, governmental officers in charge of the environment, environmental journalists and non-governmental organization activists. The obtained data were analysed through text analysis methods and open, axial and selective coding procedures were implemented. The company's behaviour model was developed in these decision-making situations about the environment. The agreement of two coder's method was used to measure validity and the confirmability method of Lincoln and Guba was used to measure reliability.

Findings: In the open coding stage, 173 codes were identified, which were divided into ten main categories in the axial coding stage. Decision-making regarding the situation management of the company's behaviour with the environment was identified as the central phenomenon of the research. Certain characteristics of the phenomenon include being non-repetitive, satisfying, and having uncertain results. There are other characteristics that exist in different types of phenomena, which include the degree of effect on the environment, the degree of effect on business, the degree of dissatisfaction of other stakeholders, the degree of transparency of the issue and the number of engaged stakeholders. These attributes in each example of the phenomenon can have a value from very low to very high in the dimensions that were said. Pressure from external stakeholders, business requirements and personal motivation of managers were identified as the causal conditions of the phenomenon. The dimensions of the phenomenon include the effect of the decision on the business, the effect of decision on the environment, the number of stakeholders and the pressure of the stakeholders. The decision maker chooses among the 7 behaviour including Postponing decision making, concealment and continuation of previous behaviour, weakening the signs of the problem, stopping the destructive activities, calculating the business effects on environment, compensation of damages and correcting the process to preserve the environment. The mediating factors include the conditions of the company, the legal and political context, and the cultural factors of the society, which influence how managers make decisions. Every behaviour will have consequences on the economic status of the company, the company's brand and the company's executive processes on the one hand and consequences for

the company's industry, the environment and local people on the other hand.

Conclusion: What distinguishes this research from similar researches in the field of relationship between organization and environment is the adoption of pluralistic approach in behavioural strategy. By putting together the different narratives of the stakeholders, it was concluded that due to the many economic concerns, the environmental concerns have been marginalized. There is not enough trust between the stakeholders and there is a lack of a constructive dialogue space to save the environment. Considering that the environment is a public good, the health of the agency mechanism in protecting the environment is very important, and the freedom of the media, the health of the judicial system, and the lack of confusion between private and state ownership can have a significant effect on improving this issue. According to the limitations of this research, it is suggested that the influence of the agency mechanism on the how managers select among the identified behaviours be investigated more closely. Also, from a practical point of view, optimizing the distribution of human and financial resources of environmental rulers, on the three issues of monitoring, demanding and developing win-win solutions between stakeholders can speed up the cycle of improving the behaviour of companies with the environment.

Keywords: behavioural strategy, environmental social responsibility, pluralism, systematic grounded theory



توسعه مدل رفتار بنگاه در موقعیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی

زیست‌محیطی با رویکرد تکثرگرایی در استراتژی رفتاری

محمدجواد زنهاری^۱، دانشجوی دکتری تخصصی سیاست‌گذاری بازرگانی دانشگاه تهران،

تهران، ایران

محمدعلی شاه‌حسینی، دانشیار، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

امیر مانیان، استاد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

عبدالحسین وهابی، استادیار، دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۲

چکیده

سهم بنگاه‌های اقتصادی، در ایجاد و حل بحران‌های محیط‌زیستی قابل توجه است. هدف این مقاله، ارائه مدلی با رویکرد تکثرگرا در استراتژی رفتاری است که چگونگی رفتار بنگاه با محیط‌زیست را از منظر روایت‌های ذی‌نفعان مطالعه کند تا با ایجاد شفافیت در تعارضات، فرایند رفتار بنگاه‌های اقتصادی با محیط‌زیست، آشکار شود. روش تحقیق پژوهش، کیفی بوده و به روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد انجام پذیرفت. داده‌ها از طریق ۱۴ مصاحبه نیمه ساختاریافته با ذی‌نفعان مختلف با روش نمونه‌گیری نظری گردآوری شد. برای سنجش روایی از روش توافق دوکدگذار و برای سنجش پایایی از روش تأییدپذیری لینکن و گوبا استفاده شد. «تصمیم‌گیری راجع به اداره موقعیت رفتار بنگاه با محیط زیست»، به عنوان پدیده محوری تحقیق شناسایی شد. فشار ذی‌نفعان خارجی، الزامات کسب‌وکار و انگیزه مدیران به عنوان شرایط علی پدیده شناسایی شدند. ابعاد پدیده، شامل میزان اثر تصمیم بر کسب‌وکار و محیط خارجی بنگاه و تعداد ذی‌نفعان می‌باشد. مدیران از میان شقوق رفتاری هفت‌گانه انفعال، پنهان‌کاری، تضعیف نشانه‌های مساله، توقف فعالیت، محاسبه آثار محیط‌زیستی، جبران تخریب‌ها و اصلاح فرایندهای کسب‌وکار، انتخاب (کنش) می‌کند. شرایط مداخله‌گر شامل شرایط بنگاه، محیط قانونی و سیاسی و عوامل اقتصادی و فرهنگی جامعه بر چگونگی تصمیم‌گیری اثرگذار است و رفتار پیامدهایی برای بنگاه، محیط‌زیست و اجتماع دارد. نتیجه آنکه، با توجه به مشغله‌های مدیران عالی و به دلیل ذات مسئله محیط‌زیست که یک کالای عمومی است، محیط‌زیست در شرکت‌ها در حاشیه قرار دارد. بین ذی‌نفعان فضای بی‌اعتمادی حاکم است و سیاست‌گذاران با پیچیدگی‌های سیاسی، حقوقی، محیط‌زیستی و اجتماعی مواجه می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: استراتژی رفتاری، تکثرگرایی، رفتارشناسی بنگاه، مسئولیت اجتماعی زیست‌محیطی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد

مقدمه

بشر این امکان را دارد که بر بحران‌های محیط‌زیستی فائق آید اما امروزه سازمان‌های تجاری در تلاش برای افزایش سود و قدرت، از تأثیرات خود بر محیط‌زیست غافل شده‌اند (آلاس‌دایر مکینتایر؛ ۲۰۰۷) و از مفاهیم مسئولیت اجتماعی، برای توجیه سرمایه‌داری مصرف‌گرا استفاده می‌کنند (بلودورن؛ ۲۰۲۲). در واقع مدیران به عنوان شخصیت‌های اصلی و تأثیرگذار در بنگاه، آن چنان زیر آوارِ گفتمان سرمایه‌داری له می‌شوند، که فرصتی برای تأمل در آثار بلندمدت رفتارشان ندارند (قادری و همکاران، ۱۴۰۲). نوبرت و دیک^۳ (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که سهولت در اندازه‌گیری اهداف فردی و مالی باعث شده‌است به مرور موفقیت‌های جمعی و منافع غیرمالی به حاشیه روند و گفتمان «موفقیت اخلاقی» کوچک‌تر و محدودتر شود. در این میان پرداختن به تعارضات، بین مسئولیت‌های اجتماعی محیط‌زیستی بنگاه از یک سو و سودآوری و بقای بنگاه‌های اقتصادی از سوی دیگر، ضرورت دارد.

چگونگی رفتار بنگاه با محیط‌زیست از نظر اجتماعی مسئله پیچیده‌ای است (کارمین و دی‌مارکی؛ ۲۰۲۳). زیرا در چنین موقعیتی مدیر هم بایستی پاسخگوی ذی‌نفع خارجی مثل دولت و مردم محلی باشد، هم باید از منافع ذی‌نفعان داخلی مانند سهامداران و کارکنان، دفاع کند و هم درگیر دغدغه‌های شخصی است. از طرف دیگر هنگامی که منافع بنگاه و محیط‌زیست در تعارض قرار می‌گیرد، مواردی نظیر ادراک مدیر از قدرت چانه‌زنی هر کدام از ذی‌نفعان (کنده و له بیلون؛ ۲۰۱۷)، تأثیر رفتار زیست‌محیطی بنگاه بر اعتبار و برند بنگاه (هیشلر و ویل؛ ۲۰۱۴) و سابقه تاریخی تصمیمات بنگاه و رقبایش در این حوزه (شیماموتو^۷ و همکاران، ۲۰۱۹) بر تصمیم‌گیری‌های مدیران اثرگذار هستند.

تشدید بحران‌های محیط‌زیستی در ایران، نشان از اهمیت بالای موضوع پژوهش دارد. شاخص عملکرد زیست‌محیطی^۸ ۲۰۲۰ که اختصاراً EPI نامیده می‌شود، چکیده‌ای از وضعیت محیط زیست هر کشور بین ۱۸۰ کشور دیگر است. در این شاخص از میان ۱۸۰ کشور بررسی شده ایران در سال ۲۰۲۰ در بخش سلامت محیط زیست در بخش فلزات سنگین رتبه ۱۶۴، در تنوع زیستی رتبه ۱۳۷، در حیات بخش کشاورزی رتبه ۱۱۳، در مدیریت منابع آبی رتبه ۸۵ را دارد. در شاخص عملکرد محیط زیستی کشور ایران در منطقه رتبه ۱۴ را دارد و نیمی از تخریب‌ها به فعالیت صنایع نسبت داده

^۱ Alasdair MacIntyre

^۲ Blühdorn

^۳ Neubert & Dyck

^۴ Carmine & De Marchi

^۵ Conde & Le Billon

^۶ Hielscher & WILL

^۷ Shimamoto

^۸ The 2020 Environmental Performance Index

شده است (وصال و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین اگرچه معضلات محیط زیستی در تمام جهان به یکدیگر وابسته بوده و این پدیده مرز نمی شناسد، اما از آنجا که هر کشوری دارای شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خاص خود است، پرداختن به مسئله رفتار بنگاه ها با محیط زیست به صورت منطقه ای (در ایران) نیز ضرورت دارد (شیرر، ۲۰۱۸).

در این پژوهش برای پاسخ به سوال تحقیق یعنی چگونگی رفتار بنگاه در موقعیت های مسئولیت اجتماعی شرکتی زیست محیطی، «رویکرد تکثرگرا در استراتژی رفتاری» انتخاب شده است. استراتژی رفتاری علمی است که با به کارگیری روانشناسی اجتماعی و شناختی، به دنبال تقویت فرضیه هایی واقع گرایانه در مورد شناخت، احساس و تعامل انسان ها در فضای کسب و کار است (پاول و همکاران، ۲۰۱۱) و رویکرد تکثرگرا به دنبال پرده برداشتن از حقیقت با در کنار هم قراردادن روایت های مختلف از یک پدیده است چرا که به دلایل مختلف (اسلام، ۲۰۲۰)، در روایت هر ذی نفع بخشی از حقیقت پنهان است.

دامنه این تحقیق در حوزه رفتارشناسی بنگاه می گنجد. از میان رفتارهای بنگاه، رفتارهای حوزه مسئولیت اجتماعی و از میان مسئولیت های اجتماعی، موارد مربوط به محیط زیست برای مطالعه برگزیده شده است. خلا نظری موجود در این حوزه، نگاه با رویکرد تکثرگرایی به تعارضات حوزه رابطه بین بنگاه و محیط زیست است (پاول و همکاران، ۲۰۱۱). به بیان دیگر هر کدام از ذی نفعان منافع، خواست ها و ادراکات متفاوتی نسبت به این مسئله دارند که با در کنار هم قرار دادن روایت های مختلف ذی نفعان از مسئله می توان این تعارضات را شفاف نمود و چگونگی رفتار بنگاه با محیط زیست را آشکار کرد و زمینه را برای توسعه راهکارهای بهبود فراهم آورد (اسلام، ۲۰۲۰).

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

استراتژی رفتاری

مبانی معرفت شناسی در مکتب تکثرگرایی در استراتژی رفتاری بر فلسفه علم نام گرایی، عملگرایی و دانش تکاملی آئنا دارد. این مکتب بیش از آنکه فرد و تصمیمات فردی برایش مهم باشد، موقعیت تصمیم گیری را مدنظر قرار می دهد. پاول^۳ و همکاران (۲۰۱۱)، همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می شود، سه مکتب تقلیل گرایی، تکثرگرایی و

^۱ Powell

^۲ Islam

^۳ Nominalism, Pragmatism, Evolutionism

^۴ Powell

زمینه‌گرایی^۱ را در استراتژی رفتاری برمی‌شمرند. مکتب تکثرگرایی با بررسی تعارضات موجود در سازمان از منظر رفتاری، سعی در حل مسائل واقعی بنگاه دارد. در تقلیل‌گرایی رویکرد کمی و تحصیل‌گراست. در زمینه‌گرایی تاکید بر این است که پدیده در بستر خود مطالعه و نهایتاً نقشه‌شناختی یک بازیگر (مثلاً مدیر استراتژیک) را استخراج شود. اما در مکتب تکثرگرایی هدف، حل تعارض با در کنار هم قرار دادن ادراک نقش‌های مختلف در یک موقعیت است. پژوهش‌های مکتب تکثرگرا عواقب عقلانیت محدود، تعارض میان گروهی و یادگیری حاصل از کنش متقابل را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

جدول ۱. مکاتب استراتژی رفتاری (پاول و همکاران، ۲۰۱۱)

تقلیل‌گرایی	تکثرگرایی	زمینه‌گرایی	
تحصل‌گرایی، عینی‌گرایی، ماده‌گرایی، واقع‌گرایی علمی، تاییدگرایی	نام‌انگاری، عمل‌گرایی، سنت تکاملی	پدیدارشناسی، وجودگرایی، نظریه انتقادی، کنش متقابل نمادین، زمینه‌گرایی، برساخت اجتماعی واقعیت	خوابگاه فلسفی
تصمیم‌گیری فردی، تصمیم‌گیری میان‌گروهی	چانه‌زنی میان‌گروهی، حل مسئله، سیاست، شفافیت تعارضات، یادگیری سازمانی، تخصیص منابع	معناسازی، ادراک، وضع واقعیت، ایجاد واقعیت	فرایند محوری مورد نظر
آزمون فرضیه، آزمایش تصمیم، شبیه‌سازی، مدلسازی ریاضی، روش‌های عصب شناختی	مطالعات میدانی، مطالعه رخداد، آمار چندمتغیره، مطالعه موردی، روش‌های ترکیبی	تاریخ تفسیری فرهنگ، قوم‌نگاری، هرمنوتیک، تحلیل متن، تحلیل گفتمان، نشانه‌شناسی، مطالعه موردی	روش‌شناسی
تصمیمات بنگاه به وسیله مدیران عالی، کارآفرینان و تیم‌های مدیریتی اخذ می‌شوند؛ تصمیمات سوژه سوگیری‌های شناختی هستند.	بنگاه مجموعه‌ای از زیرگروه‌هایی است که اهداف و نظرگاه متضاد دارند؛ بنگاه مسائل استراتژیک را با ایجاد شفافیت در تضادها و چانه‌زنی میان گروهی حل می‌کند.	بنگاه‌ها و محیط‌ها به صورت اجتماعی برساخته می‌شوند؛ تصمیمات و کنش‌ها مجزا هستند؛ تصمیمات پدیدارشونده بوده و از خارج تحت تاثیر قرار دارند.	پیش‌فرض‌ها راجع به بنگاه
ارسطو، بیکن، کومته، کارناپ، ناگل، حلقه وین، پوپر، ایر، ویتگنشتاین متقدم	افلاطون، برکلی، هیوم، کانت، ماخ، جیمز، دیویی	هگل، کیگارد، برنتانو، هوسرل، شوتر، پیرس، سارتر، آدرنو، ویتگنشتاین متاخر	شخصیت‌های تاریخی موثر بر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی

اگرچه نظریه‌مبنایی در انجام این پژوهش، نظریه استراتژی رفتاری با رویکرد تکثرگراست، در این بخش به سایر نظریات مطرح در این حوزه مختصراً اشاره می‌شود.

^۱ Reductionism, Pluralism, Contextualism

سایر نظریات مرتبط با موضوع تحقیق

مطالعات متعددی در ادبیات مدیریت و کسب و کار، رابطه بین بنگاه و محیط زیست را ذیل مفهوم مسئولیت اجتماعی بررسی کرده اند. مسئولیت اجتماعی شرکتی، مسئولیت خودخواسته شرکت ها در حوزه روابط با ذی نفعان است، که نگرانی های بشردوستانه، زیست محیطی و اجتماعی بنگاه را در کنار سودآوری بنگاه در نظر می گیرد (شاه حسینی، ۱۳۹۷). در این نظریه سه نوع مسئولیت را برای یک بنگاه برمی شمردند: مسئولیت اخلاقی، مسئولیت اجتماعی و مسئولیت قانونی (دی جورج^۱، ۲۰۱۰). برای بررسی سیر مطالعات این حوزه می توان به مطالعات مرور نظام مند لی^۲ (۲۰۰۸)، شیهی^۳ (۲۰۱۵) و لاتاپی^۴ و همکاران (۲۰۱۹) مراجعه کرد. هم چنین راپ و مالوری^۵ (۲۰۱۵) و گاندو^۶ همکارانش (۲۰۱۷) روی ریزبنیان های مسئولیت اجتماعی و فریناس و استفانز^۷ (۲۰۱۵) و شیرر (۲۰۱۸) روی مسئولیت اجتماعی شرکتی سیاسی^۸ با روش مرور نظام مند پژوهش کرده اند.

یکی دیگر از چهارچوب های نظری مستفاد در این پژوهش، نظریه ذی نفعان است (فریمن^۱، ۲۰۱۰). نظریه ذی نفعان پیش بینی می کند که فعالیت های بنگاه نتیجه فشار مستقیم یا غیرمستقیم ذی نفعان آن می باشد. میشل تعریف و اهمیت ذی نفعان را وابسته به سه موضوع قدرت، وجاهت قانونی و فوریت نیاز آنان می داند (میشل^۲، ۲۰۲۱). ذی نفعان بر سیاست های محیط زیستی و استراتژی های این حوزه (دارنال^۳ و همکاران، ۲۰۱۰) و نیز انجام فعالیت های بشردوستانه در بنگاه ها (مویر و تافلر^۴، ۲۰۰۳) اثرگذار هستند. از سوی دیگر مطالعاتی با رویکرد نظریه نهادی بیان کرده اند که بستر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به رفتارهای مسئولانه بنگاه شکل می دهند یا بر آن تاثیر دارند. در این حوزه می توان، مطالعاتی چون بررسی تاثیر نیروهای نهادی روی مسئولیت اجتماعی شرکتی (جکسون و آپوستلاکو^۵، ۲۰۱۰) و کاربرد نظریه نهادی در تحلیل مدیریت عوامل محیطی (مونتیل و هاستد^۶، ۲۰۰۹) را نام برد. نظریه دیگر، نظریه نمایندگی^۷ است که در سطح خرد می تواند مبنای تحلیل شیوه تصمیم گیری مدیران شرکت ها راجع به مسائل محیط زیستی قرار گیرد (ولت^۸، ۲۰۱۷).

^۱ De George

^۲ Lee

^۳ Sheehy

^۴ Latapi

^۵ Rupp & Mallory

^۶ Gond

^۷ Micro foundations

^۸ Frynas & Stephens

^۹ Political CSR

^۱ Freeman

^۲ Mitchell

^۳ Darnall

^۴ Moir

^۵ Jackson & Apostolakou

^۶ Montiel & Husted

^۷ Agency based theory

^۸ Velte

0

1

2

3

4

5

6

7

پیشینه تجربی

در جدول زیر به اهم پژوهش‌هایی که با روش تحقیق کیفی چگونگی رفتار بنگاه با محیط زیست را مطالعه کرده‌اند اشاره شده‌است. برخی مطالعات شرایط علی که بنگاه را مجبور به تصمیم‌گیری می‌کند، بعضی شیوه تصمیم‌گیری مدیران در این شرایط و برخی بستری که تصمیم‌گیری در آن رخ می‌دهد را بررسی کرده‌اند. هم چنین گروهی از مطالعات انواع مختلف کنش‌هایی که بنگاه‌ها صورت می‌دهند و پیامدهای حاصل از این کنش‌ها را کاوش کرده‌اند و گروهی از مطالعات نیز بر شرایط مداخله‌گر که بر انتخاب یک کنش تاثیرگذار است، متمرکز بوده‌اند.

جدول ۲. پیشینه خارجی پژوهش

نویسنده و سال انتشار	تمرکز پژوهش	یافته‌های پژوهش
کتولا ^۱ ۲۰۱۴	شرایط علی	سه نیروی عقل، اصول اخلاقی و نیازها در برخورد سازمان با مسئولیت اجتماعی تاثیرگذار است
کنده و له بیلون ^۲ ۲۰۱۷	شرایط علی	با روش مطالعه موردی نشان می‌دهد وابستگی افراد محلی به شرکت‌های معدنی، قدرت سیاسی، و اعتماد به نهادهای نظارتی عوامل موافقت افراد محلی و اثرات زیست محیطی، عدم مشارکت اتحادیه‌های محلی و عدم اطمینان به عوامل حکومتی، به عنوان عوامل مخالفت افراد محلی با فعالیت‌های معدنی هستند.
زنداگ ^۳ و همکاران، ۲۰۱۷	شرایط علی	با استفاده از مطالعه چند مورد دریافته است که مطالبات مشتریان، نیروهای بازار و خواست ذی نفعان شرکت‌ها را به سمت همکاری‌های زیست محیطی سوق داده است.
بولتن ^۴ و همکاران، ۲۰۱۱	پدیده محوری	با بررسی یک شرکت انرژی چند ملیتی به فرایند درون سازمانی مسئولیت اجتماعی می‌پردازد و نقش نیروی انسانی را در گام‌های شروع، اجرا و بلوغ مسئولیت اجتماعی می‌کاود.
تافت و رودیگر ^۵ ۲۰۲۰	پدیده محوری	در یک مطالعه طولی از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۱۷ روی سه شرکت دانمارکی فعال در صنعت انرژی، چگونگی رفتار آنها در مورد تعهدنامه پاریس مبنی بر کاهش ۱٫۵ درجه گرمایش زمین را از دو منظر تئوری هنجارمحور و تئوری منبع محور مورد مطالعه قرار داده است.
چانا ^۶ ۲۰۱۹	بسترها	این مطالعه که بر روی یک معدن زینک در هندوستان انجام شده، با مطالعه قدرت گروه‌های مختلف اجتماعی بر روی توزیع و کنترل آب، تشریح می‌کند ماهیت انتقال قدرت از یک نظام فئودالی به یک دموکراسی سرمایه‌داری، چگونه زندگی روزانه مردم را از نظر دسترسی به منابع کمیاب آب تحت تاثیر قرار داده‌است.
لورباخ و ویزمن ^۷ ۲۰۱۳	کنش	این پژوهش که روی یک شرکت تولیدکننده سقف در هلند انجام شده بررسی میکند چگونه یک کسب و کار با هماهنگ کردن خود با اقتضائات زیست محیطی و مشارکت با جامعه برای ایجاد یک بازارجدید به صورت خلاقانه هم بازار جدید می‌سازد و هم نسبت به دغدغه‌های محیط زیستی عملکرد بهتری دارد.

¹ Ketola

² Conde & Le Billon

³ Zondag

⁴ Bolton

⁵ Toft & Rüdiger

⁶ Channa

⁷ Loorbach & Wjisman

این پژوهش بر روی اعتراضاتی که در معدن هامباخ آلمان انجام شده صورت گرفته است. فعالیت های شرکتی که کاربری معدن را به عهده دارد شامل حمایت از رهبران سیاسی، لابی گری ها، حضور در رخدادهای اجتماعی، انجام پروژه های زیرساخت محلی به عنوان راه هایی برای کاهش فشار اعتراضات تشریح شده است.	کنش	براک و دانلپ ^۱ ۲۰۱۸
این مقاله در بررسی یک شرکت کلمبیایی دو دسته رفتار سیاسی، یعنی رفتار اجباری و رفتار عمدی را تمیز می دهد و در یک بررسی طولی نشان می دهد که سیاست های متخاصمانه، سیاست های همکارانه و سیاست های آگاهانه در سطوح مختلف مدیریتی عکس العمل مدیران را نسبت به چالش های اجتماعی شکل داده است.	کنش	اکوستا و همکاران، ۲۰۲۱
در یک مطالعه موردی مقایسه ای بین دو کشور فنلاند و شیلی صورت گرفته که فعالیت ها در سطح درون بنگاه و ارتباطات خارج از بنگاه مطالعه شده است. نتایج نشان می دهد ارزش های جامعه و نیز میزان اطلاع جامعه از سازو کارهای اقتصاد دورانی بر رفتار بنگاه ها تاثیرگذار بوده است.	شرایط مداخله گر	لوانن و همکاران، ۲۰۱۸
با بررسی صنعت شیمیایی ژاپن بیان می کند عوامل چهارگانه سابقه قبلی بنگاه، استانداردهای مورد تقاضا، یادگیری سازمانی و سلسله مراتب اجتماعی، عوامل محدودکننده رفتار شرکت ها در پیاده سازی اهداف توسعه پایدار هستند.	شرایط مداخله گر	شیماموتو و همکاران، ۲۰۱۹
با بررسی قانون گواهی اجتماعی در کانادا بیان می کند، در طول زمان مردم بومی کانادا موفق شدند در سیاست های توسعه معادن از طریق این قانون تاثیرگذار باشند اما بدون رویکرد همکارانه از جانب شرکت ها عملاً این قوانین ضمانت اجرایی ندارد.	شرایط مداخله گر	کالینز و کامرال ^۲ ، ۲۰۲۱
این پژوهش در طی یک مطالعه موردی عمیق نتیجه گیری می کند، در گزارشگری مسئولیت اجتماعی، ارزش های اخلاقی به ارزش های مالی تبدیل شده است. آنها بیان می کنند عملاً گفتمان سرمایه داری، بازاری برای ارزش های زیست محیطی ساخته و آنها را خرید و فروش می کند.	شرایط مداخله گر	فن بامل و همکاران، ۲۰۲۲
پژوهش در کالدونیا کانادا بر روی قوانین معدنی بین المللی، مردم بومی و سازمان های نظارتی انجام گرفته و نتیجه گیری می کند اولاً این توافق ها بر سایر قوانین بالادستی تاثیر می گذارد و دوماً توافق در یک محل (معدن) به معادن دیگر منطقه تسری می یابد.	پیامدها	له مور و همکاران، ۲۰۱۳
در این پژوهش که بر روی شرکت هنکل در لهستان صورت گرفته است بیان شده است که آگاهی از محیط زیست باعث بهبود پرستیژ بنگاه و بهبود عملکرد آن بوده است.	پیامدها	اولنزیچاک و لوکاسیک ^۳ ۲۰۱۶
این مطالعه با بررسی رابطه بین قوانین زیست محیطی، نوآوری و عملکرد بنگاه به صورت مطالعه موردی در ۹ بنگاه در چین و انگلستان، بیان می کند رویکرد پویا به قوانین زیست محیطی باعث بهبود عملکرد بنگاه و افزایش سودآوری شده است.	پیامدها	راماناثان و همکاران، ۲۰۱۷

در پژوهش های انجام شده در داخل ایران جفایی، ملکیان و فخاری (۱۳۹۶) عوامل موثر بر افشای زیست محیطی، اجتماعی و راهبردی در شرکت های حاضر در بورس را شناسایی کرده اند. تفتی و همکاران (۱۳۹۹) با شناسایی شاخص های زیست محیطی صنایع فولاد استان یزد و ایجاد ارتباط بین شاخص ها، مدل جامع تعالی عملکرد با تأکید بر شاخص های زیست محیطی (تعالی عملکرد سبز) را ارائه کرده اند. تمسکی و همکاران

¹ Brock & Dunlap

² Acosta

³ Levanen

⁴ Collins & Kumral

⁵ Van Bommel

⁶ Le Meur

⁷ Olejniczak & Łukasik

⁸ Ramanathan

(۱۴۰۰)، با پژوهشی از نوع اکتشافی با روش تحلیل کیفی با هدف تحلیل حاکمیت محیط‌زیست ایران معاصر، مهم‌ترین مسائل سیاست‌گذاری محیط‌زیست ایران را احصا کرده‌اند. در مجموع به طور کلی، تعداد کمی از پژوهش‌های انجام شده روی رابطه شرکت‌های ایرانی با محیط‌زیست از روش تحقیق کیفی استفاده کرده‌اند و در پژوهش‌های سایر کشورها نیز، کمبود پژوهش‌هایی با رویکرد تکثرگرایی که می‌تواند پرده از ابهامات تعارضات بین سازمان و سایر ذی‌نفعان در حوزه محیط‌زیست بردارد، به چشم می‌خورد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق اتخاذشده در این پژوهش روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. سیمون و کسل^۱ (۲۰۱۲) سه روش را برای نظریه‌پردازی داده‌بنیاد معرفی می‌کنند: روش سیستماتیک استراوس و کوربین^۲ (۱۹۹۷)، روش پدیدارشنونده گلیسر^۳ (۲۰۰۷) و روش برساخت‌گرایانه چارمز^۴ (۲۰۰۶). مزیت روش سیستماتیک ساختارمند بودن روش تحلیل است. دلیل استفاده از روش استراوس و کوربین در این تحقیق هدف پژوهش و گستردگی ادبیات موضوع بود. در واقع این پژوهش به دنبال معناسازی نبوده‌است. بلکه هدف، نزدیک شدن به واقعیت با در کنار هم قرار دادن روایت‌های متنوع ذی‌نفعان مختلف است. روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد سیستماتیک با کمک در جانشانی داده‌ها و فراهم آوردن ابزاری برای کشف نسبت واقعیات موجود با یکدیگر به این هدف بهتر کمک می‌کند.

مصاحبه‌ها به شکل نیمه‌ساختاریافته و در طول ۶ ماه با ۱۴ نفر از ذی‌نفعان مختلف مربوط به موقعیت (جدول ۲) انجام شد. در بعضی از موارد مصاحبه ضبط‌شده، بعد از متنی‌سازی به متخصص مربوطه ارجاع شد و نظرات تکمیلی آنها اخذ گردید. نمونه‌گیری مبتنی بر روش نمونه‌گیری نظری (گلیسر، ۲۰۰۷) صورت پذیرفت و مصاحبه‌شوندگان بر اساس نیازهای پدیدارشنونده برای تکمیل نظریه با توجه به کدگذاری‌های قبلی، انتخاب می‌شدند. مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه و با توجه به شرایط به صورت حضوری، تماس تصویری و تماس صوتی انجام شد. مختصری از هدف پژوهش و نیز سوالات مصاحبه قبل از مصاحبه برای افراد ارسال می‌شد.

¹ Symon & Cassell

² Strauss & Corbin

³ Glaser

⁴ Charmaz

جدول ۳. مصاحبه شونده‌گان پژوهش

علامت اختصاری ^۱	سمت	سابقه فعالیت	حوزه تخصص در محیط زیست
1n	راهنمای گردشگری بین‌المللی	۱۲ سال	فعال اجتماعی محیط زیست
1s	کشاورز	۸ سال	گیاهان، قوانین و مجوزهای محیط زیستی
2n	مدیر عامل سازمان مردم نهاد	۲۵ سال	مسئولیت اجتماعی
1m	اصحاب رسانه	۷ سال	نویسنده و فعال رسانه‌ای
1e	مدیر شرکت خصوصی خدمات در حوزه مسئولیت اجتماعی	۴ سال	پیمانکاری پروژه‌های توسعه پایدار
1c	کارشناس ارشد در هولدینگ فولادی	۹ سال	رابطه بنگاه و مردم محلی
2c	مدیرعامل شرکت تولیدی در صنعت چوب	۱۷ سال	چالش‌های مدیریت محیط زیست در ایران
2e	مدیر انجمن ملی تنوع زیستی	۳ سال	بحران‌های محیط زیستی در ایران، صنایع آلوده‌کننده
3e	کارشناس مسئولیت اجتماعی شرکت معدنی	۱۲ سال	پیمانکاری پروژه‌های مسئولیت اجتماعی
2m	پژوهشگر	۳ سال	نگاه انتقادی به آسیب‌های سرمایه‌داری روی محیط زیست
3c	مرغدار	۱۴ سال	تاثیر ساختار سیاسی بر محیط زیست
1R	هیات علمی دانشگاه، معاون سابق سازمان محیط زیست	۲۲ سال	حکمرانی محیط زیست
2R	مدیر کل در معاونت مسئولیت اجتماعی سازمان محیط زیست	۱۸ سال	چالش‌های نظارت محیط زیستی بر بنگاه‌ها
3m	مدیر مسئول نشریه تخصصی محیط زیست	۸ سال	مطالبات محیط زیستی

در مرحله تحلیل داده مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی با مراجعه مکرر و رفت و برگشتی به داده‌ها و به صورت دستی، صورت گرفت و نهایتاً مدل فرایندی رفتار بنگاه استخراج شد. به منظور سنجش روایی از روش توافق دو کدگذار (همرسل^۲، ۲۰۱۲) استفاده شد که ضریب توافق دو کدگذار با بررسی سه نمونه از مصاحبه‌ها، ۸۶ درصد بود. برای سنجش پایایی از روش تاییدپذیری لینکلن و گوبا^۳ (۱۹۸۵) استفاده شد. به نمونه‌هایی از فرایند کدگذاری در جدول ۳ اشاره شده‌است (دو کاراکتر سمت چپ هر کد نشان‌دهنده فرد مصاحبه‌شونده می‌باشد):

۱ شیوه علامت‌گذاری مصاحبه‌شونده‌گان به این صورت است که حرف دوم علامت اختصاری نشان‌دهنده این موضوع است که فرد مربوطه به عنوان کدام ذی‌نفع در نظر گرفته شده‌است: حرف n نشانگر داوطلبان

محیط زیستی، حرف s ذی‌نفع محلی، حرف m اصحاب رسانه، حرف e متخصص محیط زیست، حرف c نماینده بنگاه و حرف r نماینده نهاد قانون‌گذار است.

² Hammersley

³ Lincoln & Guba

جدول ۴. نمونه‌هایی از کدگذاری

کد	نمونه روایت	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
1c9	این یک واقعیت است. من برای مردم محلی باید یک جور جواب بدم برای استاندار و شهردار منطقه هم باید یک جور دیگه جواب بدم.	پاسخ‌گویی به مردم محلی، تنوع در پاسخ‌گویی	رضایت‌جویی در تصمیمات	صفات پدیده محوری
1m7	آب اهواز رو انتقال دادن به اصفهان و مردم رو روبروی هم قرار دادند. قضیه حل نشده باقی موند.	انتقال منابع آب	حل غیر اصولی مسئله،	ابعاد پدیده، کنش رفتاری، پیامد رفتار
1e44	رشد فردگرایی رو داریم. با اینکه مردم میدونن آب نیست بیشتر آب رو هدر میدن.	بی‌توجهی به اثر جمعی اسراف‌های کوچک	منافع جمعی در مقابل منفای فردی	عوامل مداخله‌گر فرهنگی
3e5	ممکنه یک شرکت بگه اگر انجام نده از رقبا عقب میمونه.	رقابت در مسئولیت اجتماعی	اقتضائات کسب و کار، رقابت	شرایط علی وقوع پدیده
1e30	بنگاه‌هایی که با شرکای خارجی کار میکنن تو اونا یک موردی دیدم که یک سری الزامات سختگیرانه تو محیط زیست از اینا میخوان رعایت بشه اگه بخوان تو زنجیره تامین اونا باشند.	الزامات زنجیره تامین	اقتضائات کسب و کار، عوامل مربوط به صنعت	شرایط علی وقوع پدیده
2e26	تولید کربن‌شون رو محاسبه کردند و دارن در زاگرس درخت کاری میکنند که ردپای کربنی شون رو به صفر برسوند.	محاسبه کربنی درختکاری جبران	محاسبه آثار محیط‌زیستی جبران محیط‌زیستی	کنش رفتاری

یافته‌ها

یافته‌ها راجع به فرایند رفتار بنگاه بر اساس مدل استراوس و کوربین ذیل ۶ مفهوم محوری شرایط علی، پدیده محوری، بسترها، شرایط مداخله‌گر، کنش‌ها و پیامدها صورت‌بندی شده‌است:

پدیده محوری تحقیق و بسترها

پدیده محوری این تحقیق تصمیم‌گیری مدیران راجع به اداره یک موقعیت رفتار با محیط‌زیست و شامل مراحل ارزیابی موقعیت، مقایسه میان شقوق رفتاری، تصمیم‌گیری و تخصیص منابع می‌باشد. یکی از جنبه‌های اصلی این پدیده، بُعد اقتصادی تصمیم است. به این معنا که یک رفتار چه منافع و هزینه‌هایی برای بنگاه خواهد داشت. همانطور که در نمونه روایت زیر از قول یک کارشناس ارشد در یک هولدینگ فولادی ملاحظه می‌شود، سازمان بین دو شق رفتاری یعنی خرید آب از دولت یا از مردم محلی مقایسه و با توجه به صرفه اقتصادی، تصمیم‌گیری می‌کند:

"جریانی که توی دولت هست اینه که تامین آب از خلیج فارس باشه. ولی برای ما اصلا به صرفه نیست. چون من آب رو برای یکی از کارخانه ها دارم میخرم مترمکعبی ۸ هزار تومان، دولت داره آب خلیج فارس رو به من میفروشه ۹۸ هزار تومان. شما باشی کدوم رو میخری؟"

موضوع دیگر در پدیده محوری این است که بنگاه در یک موقعیت رفتار با محیط زیست با ذی نفعان مختلفی روبروست که دغدغه های متنوعی دارند و بایستی برآیند نتیجه یک تصمیم را در نظر بگیرد. مثلاً در روایت زیر مشاهده می کنیم که حتی یک ذی نفع (مردم محلی) به دو دسته تقسیم شده و دغدغه های متفاوتی دارند:

"ما اطراف یکی از کارخانه ها دو تا روستا داریم، یکی بالای دره یکی پایینش. جریان باد از سمت کوه به سمت پایین هست؛ وقتی من با اون جامعه محلی بالا صحبت می کنم دغدغه اش اشتغال هست. دغدغه اش گوگرد نیست اما اونی که پایین دره است، بوی بدی که از کوکس سازی میاد و اثرات زیست محیطی دغدغه اش هست."

موضوع دیگری که در موقعیت مربوط به پدیده وجود دارد این است که فرایند تصمیم گیری شامل چانه زنی بوده و در یک بازه زمانی بلندمدت انجام می شود:

"میاد پیش من (یک مسئول حاکمیتی)، بهش میگم من نمیتونم شغل ایجاد کنم به دلایلی که مثلاً منابع طبیعی به من اجازه نمیده. اون از اینور با منابع طبیعی چانه زنی میکند که این کار را برایش انجام بدهم. از نیروهایی که میفرستد استخدام بکنم."

دیگر صفتی که از تامل روی پدیده حاصل می آید غیر تکراری بودن تصمیم گیری است. همچنین بستر رخداد پدیده، شامل میزان تخریبی که روی محیط زیست انجام می شود، میزان هزینه ای که در صورت تغییر روند فعلی به کسب و کار وارد می شود، میزان نارضایتی مردم محلی، میزان شفافیت مسئله و تعداد ذی نفعان است که می تواند از کم تا زیاد تغییر کند.

شرایط علی

بر اساس داده های به دست آمده، برای اینکه پدیده رخ دهد یا به عبارت دیگر مدیر در موقعیت تصمیم گیری قرار گیرد بایستی نیروهای موجد پدیده به آستانه ای برسد که مسئله برای مدیر به اولویت تصمیم گیری تبدیل شود. این نیروها یا شرایط علی شامل فشار ذی نفعان خارجی، اقتضائات کسب و کار و انگیزه های درونی مدیر، می باشد:

"مثلا تو احداث پتروشیمی دشتستان در بوشهر، سازمان‌های مردم نهاد محلی توانستند یک تجمع خوب ایجاد کنند و این تجمع به شکلی بود که روز افتتاح که وزیر رفت اونجا، دوره آقای فلانی، رفت افتتاح بکند تجمع مردم باعث شد پتروشیمی افتتاح نشود."

خواست مشتریان، اقدامات سبز رقبا و اثر مستقیم بحران‌های طبیعی روی پایداری کسب و کار در آینده، گروهی دیگر از شرایط علی هستند که ذیل اقتضائات کسب و کار استخراج شده‌اند:

"من به عنوان یک مدیر مجموعه اقتصادی تلاشم باید این باشه که ببینم مخاطبینمان رو چطور میتونم نگه دارم و امروزه محیط‌زیست جز آپشن‌هایی هست که مخاطب رو متمایل میکنه."

در بحث انگیزه‌های درونی مدیر، مصاحبه‌شوندگان به این موارد اشاره کردند: میل درونی به محیط‌زیست، حس امانت‌داری، وظیفه دینی (پرهیز از اسراف)، انگیزه‌های عقلانی (ترس از وضعیت فعلی) و شادی حاصل از دیگر دوستی.

کنش/کنش متقابل

یکی دیگر از مؤلفه‌های روش استراس کوربین شکل خارجی رفتاری است که فرد یا بنگاه در مواجهه با پدیده از خود بروز می‌دهد. این شکل‌های اداره موقعیت یا انجام کنش، شقوق مختلفی دارند که در دو سر طیف، از رفتارهای مخرب محیط‌زیست تا رفتارهای دوستدار محیط زیست قرار می‌گیرند. در مرحله کدگذاری محوری، هفت رفتار اصلی در این زمینه از هم متمایز شده‌است.

جدول ۴. شقوق رفتاری اداره موقعیت

۱	انفعال	ادامه رفتار فعلی و نادیده گرفتن پدیده و یا تعویق در مورد تصمیم‌گیری
۲	پنهانکاری	ادامه رفتار فعلی و پنهان کردن تخریب‌های زیست محیطی
۳	تضعیف دلایل	ادامه رفتار فعلی و تضعیف ذی‌نفعان متعارض
۴	توقف فعالیت	عدم ادامه رفتار فعلی و متوقف کردن فعالیت بنگاه
۵	محاسبه آثار	ادامه رفتار فعلی و محاسبه آثار مخرب بنگاه بر محیط‌زیست
۶	جبران خسارات	ادامه رفتار فعلی و جبران تخریب‌ها به صورت غیرمرتبط
۷	اصلاح کسب‌وکار	کاهش تخریب با تغییر در رفتار با استفاده از تکنولوژی یا خلاقیت

در بعضی موارد تحت تاثیر دفاع ادراکی شرکت‌ها تصمیم‌گیری را به تعویق می‌اندازند، چرا که پرداختن به محیط زیست ممکن است منافع آنها را به خطر بیندازد. در بعضی از موارد فعالیت‌های آلوده‌کننده محیط زیست را حتی المقدور به صورت پنهانی ادامه می‌دهند:

"خیلی از این پتروشیمی مثل پتروشیمی فلان در منطقه فلان، هوا که روشن است، بویلرها روشن هست. به محض اینکه هوا خاموش می‌شود این‌ها بویلرها رو خاموش می‌کنند چون هزینه داره دیگه. در نتیجه مواد سمی‌شون رو میسوزونن و به هوا میدن به حدی که شب در منطقه عسلویه به سختی میتونی نفس بکشی اما وقتی روز میشه هیچ اثری از اون‌ها نیست."

در بعضی موارد شرکت‌ها عاملی که منجر به وقوع پدیده (اولویت یافتن تصمیم‌گیری) می‌شود را تضعیف می‌کنند. این تضعیف از طرق مختلف مانند فشار سیاسی، تطمیع یا رایزنی با نمایندگان محیط‌زیست صورت می‌گیرد.

نقطه ابتدایی که بنگاه‌ها نشان می‌دهند به حل عقلایی مسئله محیط زیست علاقه دارند، محاسبه آثاری است که فعالیت آنها روی محیط‌زیست می‌گذارد. از این واژه در ادبیات لاتین مسئولیت اجتماعی با عنوان گشودگی نام برده می‌شود:

"این‌ها در بحث مسئولیت اجتماعی شون، بحث مدیریت پسماند رو دارن. تولید کربن‌شون رو محاسبه کردند و دارن در زاگرس درخت کاری میکنن که ردپای کربنی شون رو به صفر برسونن."

در بعضی از موارد به ویژه زمانی که سازمان فرصت کافی برای حل مسئولانه مشکل را ندارد و از طرفی مدعی العموم قدرت لازم را نداشته و یا قانون مربوطه بازدارندگی لازم را ندارد، بنگاه آشکارا از قوانین تخطی کرده و جریمه مربوطه را نیز می‌پردازد و یا اقدام دیگری را به شکل مفید انجام می‌دهد:

"میگیم ما چاره ای نداریم اگر مجوز تولید داریم میتونیم اینجا کار کنیم. ما میگیم در مقابل یک سری کارهای جبرانی میکنیم. کارگرانی که اینجا بیکار شدن رو بهشون کار میدیم. یا میایم در روستاشون مدرسه میسازیم، زمین فوتبال میسازیم، مسجد میسازیم. عملاً تخریب محیط زیست رو داریم با جهاد کشاورزی تهاتر میکنیم."

یکی از رفتارهای مفید بنگاه برگزاری جلسات با مشارکت جامعه و متخصصان به منظور کشف راهکارهای جدید برای حل مسئله محیط‌زیستی است. اگرچه این رفتار همیشه راهحل را یافت نمی‌کند، ولی در صورتی که اثربخش باشد بنگاه و ذی‌نفعان محلی را با هزینه پایین بهبود می‌بخشد.

شرایط مداخله گر

شرایط مداخله‌گر نیروهایی هستند که انتخاب مدیر بین شقوق مختلف رفتاری را تحت تاثیر قرار می‌دهند. این شرایط به چهار گروه شرایط داخل بنگاه، بستر قانونی و سیاسی و عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی تقسیم شده‌است. در شرایط داخل بنگاه برنامه‌ها و هدف گذاری‌ها، وضعیت مالی بنگاه و بلوغ بنگاه از منظر محیط‌زیستی، عواملی هستند که بر رفتار بنگاه تاثیر می‌گذارند:

"مسئله این هست که این صنعت این اجبار رو داره که تولیدش باید به فلان قدر در ماه برسد و این صنعت خصوصیتی هست سهامدار عمده شون دولت و حکومت هست و مجبور هم هست به اون عدد برسد."

در موضوع شرایط مداخله‌گر مرتبط با بستر قانونی، عواملی چون: میزان سلامت مکانیزم نمایندگی حاکمیت محیط‌زیست، شفافیت بین مالکیت خصوصی و دولتی، میزان آزادی رسانه‌ها، امنیت شغلی ناظران محیط‌زیست، وجود قوانین و ضمانت اجرایی قوانین به عنوان عوامل تاثیرگذار شناسایی شد. در مورد بستر قانونی با تناقضاتی در حکمرانی محیط‌زیست مواجه هستیم:

"رگولاتوری این جریان بخشیش دست سازمان منابع طبیعی است. بخشیش دست سازمان محیط زیست است. بخشیش هم دست یک سری نهاد بی ربط است مثلاً آب مون دست وزارت نیرو است، که خودشم نفع داره تو تخریب منابع آب و باید حفاظت هم بکنه. در واقع متهم و قاضی خودشه."

عوامل میانجی فرهنگی تاثیرگذار بر رفتار بنگاه شامل میزان فردگرایی در جامعه، میزان مصرف‌گرایی و سواد محیط‌زیستی جامعه است. نگرش به رزق و باور جامعه به فلسفه وجودی کسب و کارها نیز بر تصمیمات بنگاه‌ها بسیار تاثیرگذار ارزیابی شد:

"قبل از مدرن شدن برای ۱۰۰۰ سال، تحت تاثیر ارزش های ایرانی و اسلامی فضای خاصی در کسب و کار حاکم بوده که فضای مسئولانه بوده. این نگاه مسئولانه نسبت به محیط زیست هم بوده. حلال و حرام مهم بوده. الان ذهنیت کلی کسب و کار ما فقط کسب سود است."

پیامدهای رفتار

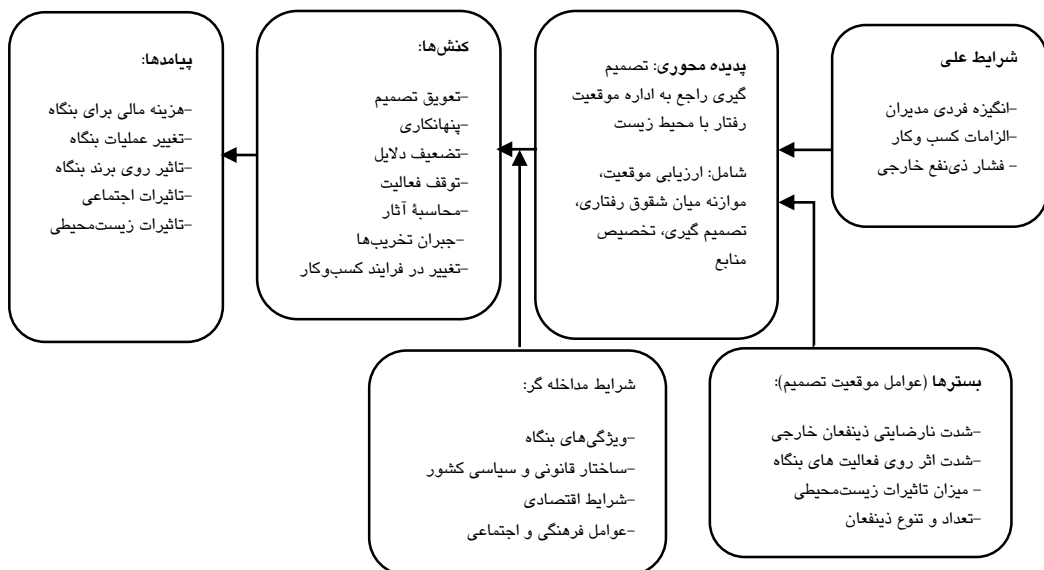
هر رفتار محیط‌زیستی بنگاه پیامدهایی دارد که در سه حوزه بنگاه، محیط‌زیست و اجتماع رخ می‌دهد. به عنوان مثال، در نمونه روایت زیر، پیامد رفتار برای محیط‌زیست، که می‌تواند تغییراتی را به صورت زنجیره‌وار در اکوسیستم ایجاد کند، مشاهده می‌شود:

"وقتی که سنگ شکن ها کار می کنند غبار خیلی زیادی ایجاد می کند ، این غبار میاد روی دشت روی مراتع میشینه، همه روشن خاک نشسته دیگه دام نمیدار گیاه رو بخوره، مصرف نمیکند. دشت هم بزرگ ه قابل تمیز کردن نیست. (به صورت زنجیره وار اکوسیستم دچار تغییرات می شود.)"

در موضوع پیامدها روی کسب و کار، داده های مصاحبه ها سه موضوع اصلی را نشان می دهد. یکی منافع و هزینه های مربوط به اصلاح رفتار، دیگر تاثیر بر روی برند و اعتبار شرکت و سوم تاثیر بر روی فرایندهای شرکت. هم چنین هر رفتار بنگاه، پیامدهای اجتماعی نیز می تواند داشته باشد:

"اینجوری بود که مردم محلی اعتراض کرده بودند که یک سریشون رو برده بودند سرکار و اونایی که رفته بودن سر کار شده بودند نیروی فشار اون شرکت علیه اون بخش دیگه مردم محلی که سر کار نرفته بودند."

در نهایت با حرکت رفت و برگشتی بین ۱۷۳ کد حاصل و تحلیل گفته ها و ناگفته های متن و مقایسه بین روایت های ذی نفعان مختلف، مقوله های استخراج شده به ۱۰ مقوله محوری شامل انگیزه ها، تصمیمات، رفتارها، ادراک از رفتار سایرین، ذی نفعان، نیروها، سیاست های حکمرانی، ابزارهای فشار ذی نفعان، مسائل بحرانی و عوامل زمینه ای تقلیل پیدا کرد. در مرحله کدگذاری انتخابی ارتباط بین مقوله ها با الگوی استراس و کوربین استخراج شد که در شکل ۲ ملاحظه می شود.



شکل ۲. الگوی فرایندی رفتار محیط زیستی بنگاه مستخرج از نظریه داده بنیاد

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آنچه این تحقیق را از تحقیقات مشابه در حوزه رابطه بین سازمان و محیط‌زیست متمایز می‌کند، اتخاذ رویکرد تکثرگرایی در استراتژی رفتاری است. در کنار هم قراردادن روایت‌های ذی‌نفعان مختلف، تصویر جامعی از فرایند رفتار یک بنگاه اقتصادی با یک مسئله محیط‌زیستی فراهم آورد. بنابر یافته‌ها، پدیده محوری این پژوهش، تصمیم‌گیری مدیران راجع به اداره یک موقعیت رفتار با محیط‌زیست است. نقطه آغازین در فرایند رفتار بنگاه، تبدیل شدن یک مسئله محیط‌زیستی به یک اولویت تصمیم‌گیری برای مدیر است. نتایج پژوهش ما نشان می‌دهد این افزایش اهمیت تا آستانه‌ای که مدیر را به تصمیم وادار کند، تحت تاثیر سه گروه عوامل فشار ذی‌نفع خارجی مانند مردم محلی یا دولت، اقتضائات کسب و کار مانند خواست مشتریان و یا انگیزه‌های شخصی مدیر مانند محرک‌های اخلاقی، رخ می‌دهد. در پشینیۀ پژوهش، فشار ذی‌نفعان خارجی (براک و دانلوپ، ۲۰۱۸ و کنده و له بیلون، ۲۰۱۷) و عوامل مربوط به کسب و کار (لورباخ و ویزمن، ۲۰۱۳) مورد اشاره قرار گرفته بود. زنداگ و همکاران (۲۰۱۷) نیز بیان کرده‌بودند مطالبات مشتریان و نیروهای بازار شرکت‌ها را به سوی همکاری‌های زیست‌محیطی سوق می‌دهند.

در فرایند رفتار سازمان با یک چالش محیط زیستی، بعد از اینکه مدیر بر مبنای شرایط علی ذکر شده مجبور به تصمیم‌گیری شد کنش‌ها یا استراتژی‌های مختلفی را اختیار می‌کند. در این پژوهش ما ۷ گونه کنش مدیران شامل تعلیق تصمیم، پنهانکاری، تضعیف دلایل، توقف فعالیت، محاسبه آثار، اقدامات جبرانی و اصلاح کسب و کار را شناسایی کردیم. آکوستا و همکاران (۲۰۲۱) این رفتارها را از منظر دیگری به سه گروه استراتژی‌های متخاصمانه، همکارانه و آگاهانه تقسیم کرده‌اند. با مقایسه پژوهش ایشان با این پژوهش می‌توان ۳ رفتار اول (تعلیق تصمیم، پنهانکاری، تضعیف نشانه‌ها) را استراتژی متخاصمانه، دو رفتار دوم (توقف فعالیت، محاسبه آثار) را استراتژی همکارانه و دو رفتار دیگر (جبران و اصلاح کسب و کار) رو استراتژی آگاهانه دانست. از نقطه‌نظر تکثرگرایی در استراتژی رفتاری بررسی روایت‌های ذی‌نفعان مختلف نشان می‌دهد بنگاه‌های اقتصادی، به دلیل اینکه نهادهای نظارتی را سالم ندانسته و برخوردهای تبعیض‌آمیز با رقبا را مشاهده کرده‌اند، از کنش‌های فعالانه در ایفای مسئولیت‌های محیط‌زیستی خود سر باز می‌زنند. به علاوه بیان می‌کنند در صورت وجود اراده همکاری، راه‌حل‌های تخصصی حل مسائل محیط‌زیستی در زنجیره ارزش صنعت به سهولت یافت نمی‌شود. از طرف دیگر ذی‌نفعان محلی یکپارچه نبوده و به دو بخش کشاورزان و کارگران شاغل در بنگاه‌ها تقسیم می‌شوند که هر کدام روایت و

منافع متفاوت و گاه متضادى دارند كه بنگاه ها را در رضايت جويى از دو گروه دچار اختلال مى كند. هم چنين از مقايسه روايت هاى مختلف اين چنين بر مى آيد كه برنامه مدون مشتركى براى افزايش تفاهمات ميان ذى نفعان در راستاى حل مسائل وجود نداشته و وزن كشى قدرت هاى اقتصادى و سياسى سرنوشت رفتار بنگاه ها با محيط زيست را مشخص مى كند.

در بيان محدوديت هاى تحقيق بايستى گفت پژوهش ما به دليل نگاه تكثرگرآيى كه داشت نتوانست پا را بيشتر از شناسايى فرايند كلّى رفتار بنگاه بگذارد. اما اينكه فضاى بين دو موجوديت رخداده پديده (اولويت يافتن تصميم گيرى محيط زيستى) و مرحله كنش (انتخاب از ميان شقوق رفتارى هفت گانه) چگونه پر مى شود به عنوان پيشنهاده براى پژوهش هاى آتى ارائه مى شود. بنابر يافته هاى تحقيق ما اين انتخاب تحت تاثير شرايط على، ويژگى هاى موقعيت (بسترها) و شرايط مداخله گر انجام مى گيرد. پيش از اين، واتسن و همكاران (۲۰۲۰) اعتماد بين ذى نفعان، امكان بازآرايى منابع و درك ذى نفعان از شرايط يكديگر را بر اين انتخاب ها تاثيرگذار دانسته بودند. همچنين شيماموتو و همكاران (۲۰۱۹) به توجه به منطق عقلانيت محدود، سوابق قبلّى بنگاه و يادگيرى سازمانى و رفتار بنگاه هاى رقيب را در اين انتخاب ها موثر دانسته اند. عامل تاثيرگذار ديگر بر انتخاب رفتار در ادبيات موضوع ويژگى هاى شخصى مدير ذكر شده است (ارگنتو و كولاسو، ۲۰۱۹ و سيلوسترى و ولترى، ۲۰۲۰). در شرايط مداخله گر فرهنگى مقاله لوانن و همكاران (۲۰۱۸) در زمينه سواد زيست محيطى جامعه و در شرايط مداخله گر اقتصادى، مطالعه آلاس و تافل (۲۰۰۸) در زمينه تاثير ناآرامى هاى اقتصادى بر رفتار محيط زيستى بنگاه، يافته هاى پژوهش ما را تايد مى كند. اينكه شرايط ميانجى احصاشده در پژوهش هاى قبلّى، يا عوامل صورت بندى شده در پژوهش ما چگونه انتخاب مدير را از بين شقوق هفت گانه رفتارى تغيير مى دهد، شايد مطالعه عميق تر مى باشد. موضوع ديگرى كه به عنوان پيشنهاده براى تحقيقات آتى پيشنهاده مى شود چگونگى تاثير نگرش به رزق بر انجام فعاليت هاى محيط زيستى است. بنابر يافته هاى اين تحقيق انتخاب رفتارهاى مسئولانه تحت تاثير نيروهاى درون و بيرون فرد صورت مى پذيرد. در نيروهاى درون فردى، جهان بينى، ترس ها و نيازها به اين انتخاب ها جهت مى دهند. پيش از اين كتولا (۲۰۱۴) تقابل سه نيروى عقل، اخلاق و نياز را در برخورد شركت ها با مسئوليت اجتماعى در صنعت توليد موادغذايى بررسى كرده است ولى هم چنان خلا مطالعات روانشناسانه در اين حوزه به چشم مى آيد.

در بیان پیشنهادهای کاربردی به عنوان نکته پایانی، بایستی گفت بنابر الگوی فرایندی حاصل، حاکمیت سه کارکرد اصلی را در ایجاد چرخه بهبود رفتار بنگاه‌ها با محیط زیست دارد که شامل پایش محیط‌زیست، دوم مطالبه از بنگاه‌ها یا به بیان پژوهش ما رساندن مدیر به نقطه تصمیم‌گیری و سوم ایجاد بستر علمی و فنی برای توسعه راه‌حل‌های برد-برد بین ذی‌نفعان می‌باشد. در اینجا مسئله تحقیقی کاربردی از نوع بهینه‌یابی در توزیع منابع مالی و انسانی سیاستگذار، بین سه حوزه پایش، مطالبه و توسعه راه‌حل با هدف افزایش رفتارهای سبز بنگاه‌های اقتصادی، پیشنهاد می‌شود. همچنین بنا بر مصاحبه‌های انجام شده شرکت‌ها اعتماد لازم را به نهادهای سیاست‌گذار محیط‌زیست ندارند. افزایش شفافیت در فعالیت‌های سیاستگذاران به شکلی که شیوه هزینه‌کرد مالیات دریافت شده از بنگاه‌ها در حوزه محیط‌زیست قابل رصد کردن باشد، همکاری بیشتر بنگاه‌ها را به همراه خواهد داشت. پیشنهاد کاربردی دیگر که در اروپا نیز برای کاهش تنش‌های محیط‌زیستی و ارتقا تعهد ذی‌نفعان استفاده می‌شود (جونز داتیرا و همکاران، ۲۰۲۱)، تشریک مالکیت میان بنگاه و مردم محلی است که در اجرای آن بایستی به ساختار سیاسی و حقوقی ایران توجه کرد.

منابع

- Acosta, P., Acquier, A., & Gond, J.-P. (2021). Revisiting Politics in Political CSR: How coercive and deliberative dynamics operate through institutional work in a Colombian company. *Organization Studies*, 42(7), 1111–1134.
- Argento, D., Culasso, F., & Truant, E. (2019). From Sustainability to Integrated Reporting: The Legitimizing Role of the CSR Manager. *Organization & Environment*, 32(4), 484–507.
- Bolton, S. C., Kim, R. C. hee, & O’Gorman, K. D. (2011). Corporate Social Responsibility as a Dynamic Internal Organizational Process: A Case Study. *Journal of Business Ethics*, 101(1), 61–74.
- Brock, A., & Dunlap, A. (2018). Normalising corporate counterinsurgency: Engineering consent, managing resistance and greening destruction around the Hambach coal mine and beyond. *Political Geography*, 62, 33–47.
- Butler, T. (2011). Compliance with institutional imperatives on environmental sustainability: Building theory on the role of Green IS. *The Greening of IT*, 20(1), 6–26.
- Carmine, S., & De Marchi, V. (2023). Reviewing paradox theory in corporate sustainability toward a systems perspective. *Journal of Business Ethics*, 184(1), 139–158.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. sage.
- Channa, S. (2019). The Thirsty Village. *Social Change*, 49(4), 590–604.

- Choudhary, P., Srivastava, R. K., & De, S. (2018). Integrating Greenhouse gases (GHG) assessment for low carbon economy path: Live case study of Indian national oil company. *Journal of Cleaner Production*, 198, 351–363.
- Collins, B. C., & Kumral, M. (2021). A critical perspective on social license to operate terminology for Canada's most vulnerable mining communities. *The Extractive Industries and Society*, 8(2), 100836.
- Conde, M., & Le Billon, P. (2017). Why do some communities resist mining projects while others do not?. *The Extractive Industries and Society*, 4(3), 681-697.
- Darnall, N., Henriques, I., & Sadowsky, P. (2010). Adopting proactive environmental strategy: The influence of stakeholders and firm size. *Journal of Management Studies*, 47(6), 1072–1094.
- DeGeorge, R. T. (2010). *Business Ethics*. 7th.
- Fakhari, Malekian, Esfandiar, Jafaei-Rahani, & Munir. (2017). Explaining and ranking the components and indicators of environmental, social and corporate governance reporting by hierarchical analysis method in companies admitted to the stock exchange. *Value and behavioral accounting*, 4(2), 153-187. (in Persian)
- Freeman, R. E. (2010). *Strategic management: A stakeholder approach*. Cambridge university press.
- Frynas, J. G., & Stephens, S. (2015). Political corporate social responsibility: Reviewing theories and setting new agendas. *International Journal of Management Reviews*, 17(4), 483–509.
- Ghaderi S, Amani R, Amini M. Privatization on Environmental Pollution in Iran: Application of TVP-VAR Method. *QJER* 2023; 23 (2) :27-65 (in Persian)
- Glaser, B. G. (2007). *Doing formal grounded theory: A proposal*. Sociology Press.
- Golshantafti, Omid, Mirfakhredini, Seyed heidar, Andalib Ardakani, Dawood, Zare Ahmadabadi, Habib. (2020). Scenario-oriented fuzzy cartographic design of environmental indicators of performance excellence model (Study case: Steel Industries of Yazd Province). *Strategic Management Research*, 78(26), 13-36. (in Persian)
- Gond, J.-P., El Akremi, A., Swaen, V., & Babu, N. (2017). The psychological microfoundations of corporate social responsibility: A person-centric systematic review: Micro-CSR: A systematic review. *Journal of Organizational Behavior*, 38(2), 225–246.
- Guandalini, I., Sun, W., & Zhou, L. (2019). Assessing the implementation of Sustainable Development Goals through switching cost. *Journal of Cleaner Production*, 232, 1430–1441.
- Hammersley, M. (2012). *What is qualitative research?* (p. 144). Bloomsbury Academic.
- Hielscher, S., & Will, M. G. (2014). Mental models of sustainability: Unearthing and analyzing the mental images of corporate sustainability with qualitative empirical research. *Systems Research and Behavioral Science*, 31(6), 708-719.
- Hoogmartens, R., Van Passel, S., Van Acker, K., & Dubois, M. (2014). Bridging the gap between LCA, LCC and CBA as sustainability assessment tools. *Environmental Impact Assessment Review*, 48, 27–33.
- Islam, G. (2020). Psychology and Business Ethics: A Multi-level Research Agenda. *Journal of Business Ethics*, 165(1), 1–13.
- Jackson, G., & Apostolakou, A. (2010). Corporate social responsibility in Western Europe: An institutional mirror or substitute? *Journal of Business Ethics*, 94(3), 371–394.

- Jonsdottir, G. E., Sigurjonsson, T. O., Ahmad Rahnema Alavi, & Mitchell, J. (2021). Applying Responsible Ownership to Advance SDGs and the ESG Framework, Resulting in the Issuance of Green Bonds. *Sustainability*, 13(13), 7331. Publicly Available Content Database.
- Ketola, T. (2014). Rationale, Morals, and Needs Pyramid for Corporate Responsibility Development. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 21(4), 228–239.
- Latapí Agudelo, M. A., Jóhannsdóttir, L., & Davídsdóttir, B. (2019). A literature review of the history and evolution of corporate social responsibility. *International Journal of Corporate Social Responsibility*, 4(1).
- Lee, M.-D. P. (2008). A review of the theories of corporate social responsibility: Its evolutionary path and the road ahead. *International Journal of Management Reviews*, 10(1), 53–73.
- Le Meur, P.-Y., Horowitz, L. S., & Mennesson, T. (2013). “Horizontal” and “vertical” diffusion: The cumulative influence of Impact and Benefit Agreements (IBAs) on mining policy-production in New Caledonia. *Resources Policy*, 38(4), 648–656.
- Levänen, J., Lyytinen, T., & Gatica, S. (2018). Modelling the Interplay Between Institutions and Circular Economy Business Models: A Case Study of Battery Recycling in Finland and Chile. *Ecological Economics*, 154, 373–382.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1986). But is it rigorous? Trustworthiness and authenticity in naturalistic evaluation. *New directions for program evaluation*, 1986(30), 73–84.
- Loorbach, D., & Wijsman, K. (2013). Business transition management: Exploring a new role for business in sustainability transitions. *Sustainable Innovation and Business Models*, 45, 20–28.
- MacIntyre, A. (2013). *After virtue*. A&C Black.
- Mitchell, R. K. (2021). Toward a Theory of Stakeholder Identification and Salience: Defining the Principle of Who and What Really Counts. 35.
- Moir, L., & Taffler, R. (2004). Does corporate philanthropy exist?: Business giving to the arts in the UK. *Journal of Business Ethics*, 54(2), 149–161.
- Montiel, I., & Husted, B. W. (2009). The adoption of voluntary environmental management programs in Mexico: First movers as institutional entrepreneurs. *Journal of Business Ethics*, 88(2), 349–363.
- Neubert, M. J., & Dyck, B. (2016). Developing sustainable management theory: goal-setting theory based in virtue. *Management Decision*.
- Olejniczak, K., & Łukasik, K. (2016). Building Ecological Organisational Culture in the Modern Enterprise – the Case of Henkel. *International Journal of Contemporary Management*, 15(1), 33–47. Publicly Available Content Database.
- Pan Fagerlin, W., Shimamoto, M., & Li, R. (2019). Boundary Objects as a Learning Mechanism for Sustainable Development Goals—A Case Study of a Japanese Company in the Chemical Industry. *Sustainability*, 11(23), 6680.
- Powell, T. C., Lovallo, D., & Fox, C. R. (2011). Behavioral strategy. *Strategic Management Journal*, 32(13), 1369–1386.
- Ramanathan, R., He, Q., Black, A., Ghobadian, A., & Galleary, D. (2017). Environmental regulations, innovation and firm performance: A revisit of the Porter hypothesis. *Making, Buying and Collaborating for More Sustainable Production and Consumption*, 155, 79–92.
- Ritvala, T., & Salmi, A. (2011). Network mobilizers and target firms: The case of saving the Baltic Sea. *Business Networks: Global, Regional and Local The Best from IMP 2010 - Budapest*, 40(6), 887–898.

- Rupp, D. E., & Mallory, D. B. (2015). Corporate social responsibility: Psychological, person-centric, and progressing. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, 2(1), 211–236.
- Scherer, A. G. (2018). Theory assessment and agenda setting in political CSR: A critical theory perspective. *International journal of management reviews*, 20(2), 387–410.
- Scholtens, B., & Sievänen, R. (2013). Drivers of Socially Responsible Investing: A Case Study of Four Nordic Countries. *Journal of Business Ethics*, 115(3), 605–616.
- Shah Hosseini, Nazari, Turkestani, Mohammad Saleh, & Ghorbani. (2021). The conceptual model of social responsibility of companies in Iran's tourism field with the approach of foundational data theory. *Tourism Management Studies*, 16(53), 109–171. (In Persian)
- Sheehy, B. (2015). Defining CSR: Problems and solutions. *Journal of Business Ethics*, 131(3), 625–648.
- Silvestri, A., & Veltri, S. (2020). Exploring the relationships between corporate social responsibility, leadership, and sustainable entrepreneurship theories: A conceptual framework. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 27(2), 585–594.
- Strauss, A., & Corbin, J. M. (1997). *Grounded theory in practice*. Sage.
- Symon, G., & Cassell, C. (Eds.). (2012). *Qualitative organizational research: core methods and current challenges*. Sage.
- Tamassoki, Ehsan, Mohammadi Kangrani, Hananeh, Ashtarian kiumars, Halisaz, Arashk, & Naderi, Farshid. (2021). The problem of environmental policy making in Iran. *Public Policy*, 7(2), 109–125. (in Persian)
- Toft, K. H., & Rüdiger, M. (2020). Mapping corporate climate change ethics: Responses among three Danish energy firms. *Energy Research & Social Science*, 59, 101286.
- Tura, N., Keränen, J., & Patala, S. (2019). The darker side of sustainability: Tensions from sustainable business practices in business networks. *Industrial Marketing Management*, 77, 221–231.
- Tsalis, T. A., & Nikolaou, I. E. (2017). Assessing the Effects of Climate Change Regulations on the Business Community: A System Dynamic Approach. *Business Strategy and the Environment*, 26(6), 826–843.
- Van Bommel, K., Rasche, A., & Spicer, A. (2022). From Values to Value: The Commensuration of Sustainability Reporting and the Crowding Out of Morality. *Organization & Environment*, 10860266221086616.
- Velte, P. (2020). Do CEO incentives and characteristics influence corporate social responsibility (CSR) and vice versa? A literature review. *Social Responsibility Journal*, 16(8), 1293–1323.
- Vesal, Mohammad, Amnzadeh, Naser, Hoseini, Sepideh, Karimi, Mahtab, Heidarynejad, Mohadesse. (2019). Investigating the impact of environmental degradation on poverty using an evidence-based approach. *work and society*. 14. (in Persian)
- Zeng, S., Xu, X., Yin, H., & Tam, C. M. (2012). Factors that drive Chinese listed companies in voluntary disclosure of environmental information. *Journal of Business Ethics*, 109(3), 309–321.
- Zondag, M. M., Mueller, E. F., & Ferrin, B. G. (2017). The application of value nets in food supply chains: A multiple case study. *Scandinavian Journal of Management*, 33(4), 199–212.